

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه پنجاه و نهم، ۱۴ دی ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثة (بوسه)/قراردادهای آتی /راهکارهای مشروعیت بخشیدن به قراردادهای آتی در بورس

1- حدیث اخلاقی (به مناسبت رحلت آیت‌الله مصباح یزدی و اولین سالگرد شهید سلیمانی (رحمهما الله))

1.1- لزوم استفاده کامل علمی از علما در زمان حیات آنها

حدیث اخلاقی و تذکری امروز، فرمایش رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است که در بحار و در برخی مجامع روایی دیگر هم هست؛ ایشان فرمودند:

«اكتبوا العلم قبل ذهاب العلماء، وإنما ذهاب العلم بموت العلماء [1].»

خیلی حدیث گران قدری است. این یکی از سفارش‌های ملکوتی و الهی رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است. حضرت، یک شیوه و روش را به همه متعلمین و دانشجویان و طلاب و دانش‌آموزان و همه کسانی که در مسیر تحصیل علم هستند، یاد دادند؛ دانش‌های خود را بنویسید و مکتوب کنید پیش از اینکه دانشوران و دانشمندان را از دست بدهید؛ چقدر تعبیر مهمی است. ما نسبت به علمای خود مسئولیت داریم؛ باید فراگیری کنیم. عالم غریب و قرآن، در قیامت شکایت می‌کند [2]. متعلم باید به عالم رجوع کند؛ با افاده و استفاده؛ باید قلم به دست، برخی نکته‌های دانشوران را یادداشت کند؛ چرا که فرمودند: رفتن دانش، به رفتن دانشوران است؛ گاهی دانش، با دانشمند می‌رود.

1.2- بعد از مرگ عالم، هیچ کسی نمی‌تواند جای او را بگیرد

برای همین است که «إذا مات العالم ثلم في الإسلام ثلثة لا يسدها شيء [3]»؛ دانشمندی که از دست برود، فضایی خالی می‌شود که کسی جای او را پر نمی‌کند. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرحوم شدند؛ عده‌ای گفتند: فلانی جای ایشان نشست؛ حکیمی گفت: او به جای خود نشست؛ هیچ کس نمی‌تواند جای کسی بنشیند. همه موجودات، وجودات خاصه هستند؛ تشخص و شخصیت خاص دارند؛ قانون حکمی است. انسان، شخصیت مخصوص دارد و عالم، شخصیت خاص دارد؛ تشخص عالم، خاص است؛ ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ [4] برای همین هر عالمی که برود به تعبیر رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، علمی را می‌برد.

1.3- خصوصیات حضرت آیت الله مصباح یزدی رحمه الله

جا دارد اشاره کنم به رحلت حضرت آیت الله مصباح یزدی؛ کسی که به حقیقت، مصباح علم و معرفت و صفا و تواضع بود؛ اخلاقیات خاص خود را داشت؛ این حکیم برازنده، معقول و منقول را جمع کرده بود؛ اهل فخر نبود؛ متواضع بود؛

«تواضع ز گردن فرازان نکوستگدا گر تواضع کند، خوی اوست»؛ [5]

اگر کسی عالم شد و متشخص شد و متواضع بود، خدا او را بالا می برد. تا می توانید قلم و دفتر در دست، مطالب را یادداشت کنید؛ به خصوص محافل درس علما را. هر عالمی که برود، خصوصیتی را با خود می برد. مرحوم آیت الله مصباح، یک سری مطالب علمی را با خود بردند.

1.4- خصوصیات شهید سلیمانی رحمه الله

سالگرد مرحوم سردار شهید سلیمانی است. در ویژه نامه ای که صحبتی برای سالگرد ایشان داشتم، عرض کردم از خصوصیاتش این بود که مرد میدان بود. عالم و مجاهد و رزمنده اگر مرد میدان علم و جهاد بودند و میدانی فکر کردند، انسان های موفق هستند. اهل تظاهر نبود. تیز هوشی بود که فرار از شهرت می کرد؛ ولی شهرت به سراغ او رفت. این نکته ای است که باید از سیره آنها درس بگیریم. حشر و نشر با ادعیه داشت. وقتی برخی مسئولین و حکام و حاکمان و کسانی که به حسب ظاهر، قدرت ظاهری و اجرائیات دستشان هست، دنبال برخی مسائل مادی هستند، او دنبال این بود که کفنش را ببرد و بزرگان برای او امضا کنند؛ از جمله وقت می گیرد، خدمت آیه الله مصباح یزدی مشرف می شود؛ پیشانی ایشان را می بوسد و می خواهد به عنوان عالم، شهادت به پرونده عملی من بدهید؛ عنوان چهل مؤمن را جمع آوری می کند. مرحوم شهید سلیمانی اهل باور بود؛ باور به قیامت و ایمان و برزخ و اخلاص داشت. اگر به باور برسیم به اقل ما قسّم بین العباد که یقین است، [6] رسیده ایم.

1.5- ضرورت توجه به نعمت های الهی

آقا رسول الله صلی الله علیه و آله هر صبحی که یاران شان به حضورشان مشرف می شدند، می فرمودند: «هل من مبشرات»؛ [7] خبر جدید اخروی دارید؟ حضرت فرمودند: این خواب را بشارت های اخروی می دانم؛ خواب شما، خواب الهی و دریافت های الهی بوده است. به نعمت اخروی در این دنیا برسید؛ اگر به نعمت اخروی رسیدیم، در زیادی نعمت هستیم. این آیه شریفه ۱۱۰ سوره مائده ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ﴾، [8] خطاب به جناب عیسی علیه السلام که نعمت یقین و باور و اخلاص است؛ نعمت صداقت است؛ صداقتی که صدیقه است.

درباره بنی اسرائیل داریم: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ﴾، [9] و در آیه دیگر ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾؛ [10] باید مراقب حالات مان باشیم؛ نعمت‌های زیادی به ما داده شده است؛ در محضر آیات الهی هستیم؛ آیات و روایات می‌خوانیم؛ قال الصادق و قال الباقر علیهما السلام می‌خوانیم؛ خدا من و شما را به جهت انتخاب کرده است؛ خدا تمام انسان‌ها را انتخاب کرده؛ ولی هر کس به طوری؛ به تعبیری ما شکار شده با تیر و تور الهی هستیم. «و اما بنعمة ربك فحدث»؛ ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ [11]. پایین‌ترین شکر و «أدنی الشکر رؤية النعمة من الله تعالی»؛ [12] پایین‌ترین شکر، این است که بدانیم نعمت از خدا است و شاکر نعمت الهی باشیم.

همین الآن می‌گوییم خدایا تو را به داده‌ها و نداده‌ها شکر می‌کنیم؛ داده‌ها به فکر ناقص ما و نداده‌ها به حکمت تو؛ به حکمت ندادی؛ کارهای تو بر اساس حکمت و مصلحت است. در فرازی از الهی‌نامه عرض کردیم: «الهی در قسمت آباد وجود، بیش از قسمت ما نبود؛ یا ابا القاسم مددی. «ابا القاسم، پدر تقسیم تمام ارزاق، بر کرسی تقسیم الهی نشسته؛ «بِئْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى»؛ [13] ما هستیم که باید ظرف وجودی خود را ببریم تا ببینیم چه قسمت مان خواهد بود.

1.6- برنامه ریزی علمی و عملی خصوصا در فصل زمستان

برای علم و عمل خود برنامه‌ریزی کنید. برای آخرت مان برنامه ریزی کنیم. شب‌های زمستان به تعبیر روایات بهار اولیای الهی است؛ [14] شب‌هایش، برای نماز و دعا و روزهای کوتاه آن، برای روزه‌داری. تشخص انسان، به قیام و قعود است.

1.7- خصوصیات مشترک آیت‌الله مصباح یزدی و شهید سلیمانی رحمهما الله

1.7.1- آخرت گرایی

وصف مشترک حضرت آیت‌الله مصباح یزدی این عالم بزرگوار و شهید سلیمانی این بود که هر دو برای آخرت‌شان برنامه‌ریزی خاص داشتند. این مصباح‌العلماء شد و این مصباح‌الشهدا؛ و این درخشش، تا قیامت ادامه دارد. بکوشیم مصباح شویم تا مجلای آیه نور شویم؛ تا ﴿مُصْبِحًا الْمُصْبِحُ﴾ [15] شویم که زنده ولایت است. رزقنا الله ایانا و ایاکم این سیر و سلوک.

1.7.2- ولایت مداری و تسلیم‌پذیری در برابر ولی فقیه

نقطه مشترک هر دو بزرگ این عالم و این سردار، ولایت مداری بود؛ صاحب نظری که مطیع بود؛ یکی صاحب نظر علمی و دیگری فرمانده میدان عملیات که مطیع بود.

1.8-1 نقل خاطره ای از شهید سلیمانی در دیدار با مقام معظم رهبری دامت برکاته

خدا رحمتش کند خودش این حکایت را برای من نقل کرد؛ زمان سوریه برای گزارش نزد مقام معظم رهبری رفتیم؛ خلاصه این شد که بشار رفتنی است و سوریه سقوط می‌کند. حرف که تمام شد و نقشه جلوی چشم ما بود؛ خدمت ایشان عرض کردیم: ۷۰ درصد از خاک سوریه رفته و ۲۵ تا ۲۷ درصد مانده است؛ ایشان قلم در دستشان را برداشتند و گذاشتند روی نقشه و فرمودند بشار و سوریه باید بماند؛ از اینجا شروع کنید؛ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛ [16] بعد من به رفقا گفتم منزل نمی‌روم؛ اینکه ایشان گفتند از اینجا وارد شوید، من باید بروم؛ از همان جا رفتیم و موفق شدیم. رهبر دیدبانی است که خیلی‌ها ندارند. هر دو بزرگوار، آیت‌الله مصباح و سردار سلیمانی، اهل تسلیم بودند. تا هستند، از حالات آنها استفاده کنیم و در برزخ، از لقاء آنها استفاده کنیم؛ خدا این لقا را بر ما مبارک گرداند. مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء؛ [17] قلم عالم و قدم شهید است که دین را نگه داشته است؛ باقی همه ﴿هَبَاءٌ مَّنْثُورًا﴾ [18] است. اگر خدا روزی کند که جامع بین قدم و قلم شویم که فوض عظیم است. رزقنا الله إيانا و إياكم.

2- خلاصه جلسات گذشته

2.1-1 اشاره به راه‌های مشروعیت بخشیدن به بعضی از قراردادهای بورس که معامله دین به

دین است

1- 2.1.1-1 راه اول: تبدیل بیع به دین

تعطیلات فاصله شد. فشرده‌ای از گذشته عرض کنیم.

صحبت در مشروعیت قرارداد آتی و بورس بود. نحوه تعهدی که در این معاملات داده می‌شد. مسیرهای مختلفی برای مشروعیت این قراردادها رفتیم؛ نتیجه این مسیرها و پیشنهادها، راهکارهایی که به بورس دادیم که راهکارهای عملیاتی مشروعیت کارهای بورس است، این شد که ما می‌توانیم در تحت عنوان ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾، [19] و «المؤمنون عند شروطهم» [20]

بیریم. با فرض اینکه معامله‌ای کردیم که در این معامله خود را مدیون کردیم؛ سررسیدی برای این دین، مشخص می‌کنیم؛ اگر این‌گونه باشد، معامله کالی به کالی نیست؛ خودش را مدیون

کرد و تسویه حسابی صورت گرفت. کلمات بزرگان را نقل کردیم. پرسش و پاسخ‌های مرحوم میرزا، صاحب جواهر، سید یزدی و روایاتی را نقل کردیم.

-2، 1.2 راه دوم: صلح دین به دین

راه دیگر برون‌رفت از برخی محذورات که فقه بن‌بست ندارد و باید ببینیم راه برون‌رفت در مسائل جدید چیست؟ معنای استخراج مسائل مستحدثه همین است. بورس، معاملاتی است که قبلاً نبوده است. معاملات آتی صحت دارد یا خیر؟ راه دیگر این است که به بحث صلح بپردازیم؛ طرفین مصالحه می‌کنند. آقایان فقها در صلح، دو نظر دارند؛ یکی اینکه دو نفر ابتداء بدون نزاع صلح کنند؛ مرحوم امام و مرحوم آقای خوئی، این را جایز می‌دانند؛ ما هم، چنین نظری داریم؛ ولی برخی بزرگان دیگر معتقدند صلح، باید مسبق به مرافعه و منازعه باشد؛ بنا بر این نظریه دوم، نمی‌توانیم از راه صلح در معاملات آتی وارد شویم. اگر صلح ابتدایی را قائل بودید، مصالحه به تسویه حساب می‌کنند یا کس دیگری تسویه حساب کند؛ همه این تسویه حساب‌ها را مشروع می‌دانیم؛ چه خود بدهکار و طلبکار قبلی باشد، و چه شخص ثالثی باشد، یا شخص رابع.

این هم راه دوم عملیاتی مشروعیت قراردادهای آتی.

-3 مطلب جدید: ادامه راهکارها

-3.1 صورت گرفتن معاملات آتی از طریق قرض

راه سوم که مورد توجه است و عرض نکردیم و مطلب جدید است، این است که می‌شود گفت: تعهد در معامله آتی، اینها به صورت قرض به یکدیگر داده شود. در تعبیر بورس اباحه داشت؛ گاهی وکالت داشت؛ گاهی تعبیر به تعهد داشت. تقاضایی که از دست‌اندرکاران بورس داریم و بارها هم تکرار کردیم این است که - اگر هست، باید بیشتر تحکیم شود - در لجنه و گروهی که مواد بورس را می‌نویسند یا قراردادهای اجرا می‌کنند یا تدوین می‌کنند، فقهای در این قراردادها حضور داشته باشند؛ در شورای بورس و در شورایی که تدوین یا اجرای قوانین بورس می‌شود، باید فقهای باشند؛ فقهای آگاه به قوانین که راه‌حل‌ها را پیشنهاد کنند یا تطبیق بدهند؛ اگر راه‌حل اولیه نمی‌توانند بدهند، حداقل در تطبیق، خبرویت داشته باشند. ما قائل به نظام اقتصادی اسلام هستیم؛ گرچه هنوز بیان نشده است؛ کمبود زیاد داریم؛ هر کس باید گوشه کار را بگیرد.

یکی از راه‌هایی که پیشنهاد می‌کنیم این است که به عنوان قرض، رد و بدل شود؛ این اشکال ندارد؛ چه تعهد باشد، چه اباحه و چه واگذار کردن برخی امور یا اختیارات معامله و اختیار خرید یا فروش.

3.2- تبدیل معاملات آتی به قرارداد سلف یا سلم

راه چهارم برای صحت معاملات آتی و قراردادهای بورس این است که تبدیل به قرارداد سلف یا سلم کنیم؛ قرارداد سلف این است که اول پول می‌دهد و مبیع را بعداً تحویل می‌گیرد؛ سلم و سلم یکی است با اختلاف لهجه مدنی و عراقی. یکی تسویه حساب نقدی می‌کند، ولی دیگری مبیع را بعداً تحویل می‌دهد؛ الآن پول را می‌دهد و مبیع را بعداً می‌گیرد؛ بر خلاف نسیه که بر عکس بود.

4- تا زمانی که قراردادهای آتی از خطوط قرمز شرعی عبور نکنند، واجب الوفا است

عرض ما این است که شاید برخی طرق بیع و راه‌های بیع در جهت نامشروع شود که ربوی یا غرری باشد؛ یا کالی به کالی باشد؛ یا شرط خلاف شرع یا خلاف مضمون عقد باشد؛ اگر شرایط چنین نباشد، واجب الوفا است.

5- خلاصه

معاملات آتی با توجه به سررسید مشخص و با توجه به بده بستان‌ها که اعم از بیع و غیر بیع است، اینکه داد و ستد را فقط بیع بدانیم، غلط مشهور است؛ ما این راه‌ها را پیشنهاد می‌کنیم؛ کسانی که در بورس هستند، این را رعایت کنند.

قراردادهای بورس را ان شاء الله جلسه بعد می‌خوانیم که هیات مدیره بورس تصویب کرده است و اجرا می‌شود.

به این چند راه حل برای مشروعیت معاملات بورس رسیدیم. «إنما يحل الكلام، ويحرم الكلام»؛ [21] با یک چیز معامله صحیح است و با چیز دیگری حرام است. ما صلح ابتدایی را جایز می‌دانیم. اگر با صلح و وکالت پیش بروند، خیلی از مسائل درست می‌شود؛ برای اکثریت بده بستان‌های مدت‌دار، درست است؛ در معاملات آتی و اختیار معامله.

[1] میزان الحکمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ۳، ص ۲۶۶۳.

[2] مسند الإمام الصادق أبي عبد الله جعفر بن محمد (ع)، العطاردي، الشيخ عزيز الله، ج ٦، ص ١٣١.

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٢، ص ٤٣.

[4] زمر/سوره ٣٩، آيه ٩.

[5] بوستان سعدى، بخش ٤، مدح ابوبكر بن سعد بن زنگي.

[6] ميزان الحكمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ٤، ص ٣٧١٣.

[7] الكافي - ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٨، ص ٩٠.

[8] مائده/سوره ٥، آيه ١١٠.

[9] بقره/سوره ٢، آيه ٤٧.

[10] ضحى/سوره ٩٣، آيه ١١.

[11] فجر/سوره ٨٩، آيه ١٤.

[12] سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، القمي، الشيخ عباس، ج ٤، ص ٤٧٧.

[13] كليات مفاتيح الجنان، قمي، شيخ عباس، ج ١، ص ٨٥.

[14] معاني الأخبار، الشيخ الصدوق، ج ١، ص ٢٢٨.

[15] نور/سوره ٢٤، آيه ٣٥.

[16] محمد/سوره ٤٧، آيه ٧.

[17] الوافي، الفيض الكاشاني، ج ١، ص ١٤٥.

[18] فرقان/سوره ٢٥، آيه ٢٣.

[19] مائده/سوره ٥، آيه ١.

[20] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢١، ص ٢٧٦، أبواب المهور، باب ٢٠، ح ٤، ط آل البيت.

[21] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٥٠، أبواب أحكام العقود، باب ٨، ح ٤، ط آل البيت.

